

اشاره

قسمت عمده‌ای از مطالب مقاله حاضر از گزارشی نهایی طرح پژوهشی "بررسی موانع و روش‌های جایگزینی سوخت‌های فسیلی به جای سوخت‌های جنگلی و مرتعی در مناطق روستایی و عشایری استان لرستان" استخراج شده که مصوب شورای عالی تحقیقات وزارت جهاد سازندگی بوده و توسط نگارنده اجرا شده است. طرح یاد شده در مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان لرستان با همکاری آقایان مهندس ناصر انصاری و پرویز گراوند اجرا شده است.

چکیده

پژوهش حاضر برگرفته از تئوریهای کثش خاصه کثش اجتماعی، کثش اقتصادی و کثش روانی - بویژه از دیدگاه‌های اقتصاددانانی همانند "سومبارت"، "آلفرد مارشال" و جامعه شناسانی همانند "ماکس وبر"، "دورکیم"، "پارتو"، "هربرت مید" و بالاخص "پارسونز" - است.

تجزیه و تحلیل بیش از ۱۵۰ هزار داده از ۵۲۷ واحد نمونه با استفاده از روش تحقیق پیمایشی و فنون مصاحبه ساخت‌مند و مشاهده منظم عشایری به خوبی نمایان ساخت که:

استفاده از چوب درختان جنگلی و بوته‌های مرتعی برای سوخت در همه روستاها و مناطق عشایری محدوده‌های جنگلی و مرتعی، حتی تا شعاع ۶ کیلومتری وجود دارد. لیکن موارد و میزان مصرف و حجم آن متغیر است. تجزیه و تحلیل چندمتغیره داده‌ها، نمایانگر تأثیرات واقعیت

از ۳۴ درصد از تخریب جنگلها و بوته‌های مرتعی است و در مقایسه با دو عامل دیگر تخریب در منطقه زاگرس، یعنی چرای نابهنگام، نامنظم و مفرط و تبدیل اراضی شیب‌دار مرتعی و جنگلی به اراضی کم‌بازده مزروعی، تأثیراتی نمایی دارد که دو جهت‌گیری عمده مسئله‌ای (Problem Orientation) در سطح پژوهش و اجرا را ضروری می‌نمایاند.

الف) در سطح پژوهش، که هر چه عمق، وسعت، روایی و پایایی آن ژرفتر، گسترده‌تر و بالاتر باشد، اقدامات عملی کم‌هزینه‌تر و پربازده‌تر خواهد بود. تمرکز مسئله‌ای و موضوعی بیشتر بر ابعاد انسانی - اجتماعی پژوهشها در مراکز تحقیقاتی ذی‌ربط بویژه مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع و مرکز تحقیقات آبخیزداری تأکید دارد. واقعیت این است که جهت‌گیری مسئله‌ای در پژوهش در این گونه مؤسسات حداقل در طول در

غایی، درون نظامهای فرهنگی، هنجاری، ساختی - اجتماعی، تصمیم‌گیرنده و هدایت‌کننده اقتصادی و برون نظام محیط طبیعی در سطوح خرد و کلان بر مکانیزم جایگزینی سوخت‌های فسیلی به جای سوخت‌های جنگلی است.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دسترسی آسانتر و بهنگام‌تر، باصرفه‌تر بودن، هنجارمند بودن و داشتن وسایل استفاده از عمده‌ترین عوامل جایگزینی هستند. تغییر در نگرش نسبت به اهمیت جنگلها و بوته‌های مرتعی، گسترش و نهادینه شدن استفاده از سوخت‌های نوین از طریق اعمال شیوه‌های نوین آموزشی و ترویجی، ضرورتی به مراتب بالاتر از اقدامات عملی و اجرایی همانند ایجاد جایگاههای سوخت رسانی جدید دارد.

از طرف دیگر، قطع بی‌رویه درختان جنگلی و بوته‌کشی برای سوخت که به تنهایی عامل بیش

دهه باید در راستای یافتن راهکارهای کاهش آثار زیانبار دخالت نادرست انسانی در عرصه‌های طبیعی اعم از قطع درختان و بوته‌کشی، چرای مفرط، تبدیل اراضی مرتعی به اراضی مزروعی کم‌بازده باشد. تا این مسئله عملی نشود، قادر به ارائه رهیافتی علمی برای حفظ، احیا و گسترش منابع طبیعی تجدیدشونده در منطقه زاگرس نخواهیم بود.

ب) در سطح عملی و اجرایی، نیز با وجود بیش از ۶۰ سال فعالیتهای سازمانی و اقدامات دولتی برای حفظ و در مواردی احیای جنگلها و مراتع کشور، دلایل گوناگونی از جمله ابهام، تشتت، ناهماهنگی و گاهی تعارض مدیریتی و سازمانی و از همه مهمتر، ناکامی در جلب مشارکت و همراهی مردم و ناکارآمدی نظام آموزشی و ترویجی بسیاری از اقدامات و پروژه‌های اجرا شده فرجامی جز شکست نداشته‌اند. بنابراین عمده‌ترین جهت‌گیری مسئله‌ای سازمان جنگلها و مراتع کشور و معاونت آبخیزداری وزارت جهاد سازندگی بسط و نهادینه شدن مشارکت آگاهانه، آزادی، برنامه‌ریزی شده، نظام‌مند و کارآمد و عمومیت یافته مردم بهره‌بردار و حاضر در عرصه‌های طبیعی می‌باشد و به تبع آن نگرش سیستمی به حوضه آبخیز که بعد عینی و فضایی توسعه پایدار است، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌یابد.

مقدمه

در دهه اخیر و در پی نمایان شدن ضعف و ناکارآمدی و بروز پیامدهای دور از انتظار تئوریها و رویکردهای قبلی بویژه تئوری نوسازی و تئوری وابستگی بالاخص در کشورهای در حال توسعه رویکرد نوین توسعه‌ای ابعادی نمایی یافت. این رویکرد با عنوان تئوری توسعه گزینده‌ای^۱ به دنبال روشن ساختن این مهم است که توسعه در هر جامعه‌ای مناسب با شرایط تاریخی و هویت ساختاری آن چگونه باید اتفاق بیافتد.

در این تئوری که با نقد تئوریهای قبلی توسعه و در تعاملی چندحانه و به صورت تعدد شونده جهت و الگوی توسعه جرح و تعدیل می‌شود.

پایداری و کارآمدی توسعه اصول زیر را شامل می‌شود:

۱- اصل سرزمین‌گرایی^۲ به مثابه نقطه مقابل کارکردگرایی^۳

۲- اصل تکثرگرایی فرهنگی^۴ به مثابه نقطه مقابل نوسازی واحد برای همه کشورها^۵

۳ اصل پایداری اکولوژیکی^۶ به مثابه نقطه مقابل پایداری رشد اقتصادی^۷

این سه اصل حکایت از آن دارد که ابعاد بسیار مهم یک الگوی توسعه گزینده‌ای ریشه در فضا، فرهنگ و اکولوژی دارد و این سه دارای بنیان فلسفی واحدی بوده و در تعاملی پویا موجود برنامه‌ای هستند که در آن همدیگر را تقویت و تکمیل می‌کنند.

مبانی و اصول این تئوری در مقاله‌ای دیگر تشریح خواهد شد. فقط در اینجا به این مهم اشاره می‌شود که توسعه پایدار و پایداری توسعه در بعد طبیعی تابع حفظ و استفاده عقلانی از منابع طبیعی و احیا و گسترش منابع طبیعی تجدید شونده است. واقعیت این است که در جهان متحول کنونی، منابع طبیعی بویژه منابع طبیعی تجدیدشونده در پسی دخالتهای نادرست و رو به افزایش و بهره‌برداریهای مفرط و غیرعقلانی روندی ناپذیر شونده یافته‌اند. بررسیهای جهانی نشان می‌دهد که در طول ۴۵ سال گذشته، ۱/۲ میلیارد هکتار از زمین بشدت نابود و تخریب شده است.

در ایران نیز روند تخریب و نابودی منابع طبیعی و محیط زیست بویژه در چهار دهه اخیر، روندی به شدت تصاعدی یافته است. به طوری که میزان فرسایش سالانه خاک از مرز ۱/۵ میلیارد تن (معادل نابودی ۴۰۰ هزار هکتار اراضی حاصلخیز در سال) تجاوز کرده است و پیش‌بینی می‌شود در کمتر از ۱۵ سال، این میزان به ۴/۵ میلیارد تن برسد.

هر چند تخریب و فرسایش خاک فرایندی تاریخی - طبیعی دارد و بر اساس فلسفه حیات طبیعی، عمران قابل تبیین است، ولیکن آنچه موجب تسریع تصاعدی روند تخریب و فرسایش منابع طبیعی و خاک شده، بشریت و فعالیتها و کنشهای انسان در عرصه طبیعی حیات است که هم آهنگ تخریب ناشی از عوامل طبیعی مانند

بارانهای سیل‌آسا، بادهای تند و ... بسیار شدیدتر شده است و هم به صورت مستقیم باعث تخریب و فرسایش میلیونها هکتار از جنگلها و مراتع و اراضی حاصلخیز شده است.

بررسیهای جهانی نشان می‌دهد که قطع درختان جنگلی به تنهایی عامل تخریب ۳۰ درصد از اراضی جهان در طول ۴۵ سال گذشته بوده است. همچنین، چرای بی‌رویه دام در تخریب ۳۵ درصد، فعالیتهای نادرست کشاورزی و از جمله تبدیل اراضی مرتعی و جنگلی به اراضی مزروعی در تخریب ۳۴ درصد مؤثر بوده است.

در کشور ایران، بویژه در منطقه زاگرس که پژوهش یاد شده در بخشی از آن صورت گرفته است، سه عامل کلان موجبات افزایش نمایی و بسی سابقه دخالتهای نادرست و اقدامات و فعالیتهای مخرب در عرصه‌های طبیعی را فراهم آورده که عبارت‌اند از:

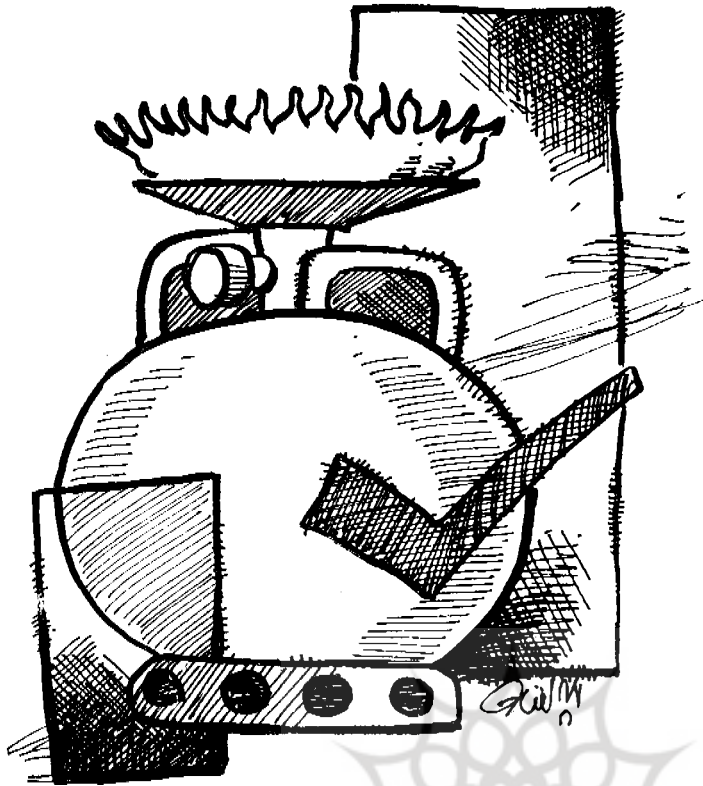
الف) افزایش نمایی تراکم جمعیت

جمعیت ایران که در آغاز قرن حاضر در حدود ۱۰ میلیون نفر بود، در طول ۷۰ سال به بیش از شش برابر رسیده و بر اساس آمار سرشماریها، در طول ۳۵ سال سه برابر شده و از ۱۸۹۵۴۷۰۴ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۵۵۸۳۷۱۶۳ نفر در سال ۱۳۷۰ بالغ گردیده است. بدین ترتیب، تحمیل جمعیت بر عرصه منابع طبیعی حیات انسانی، در طول ۷۰ سال، شش برابر شد. به این ترتیب به طرق مختلف بر شدت یافتن آهنگ تخریب مراتع مؤثر واقع گردید.

ب) گسترش، ژرفایی و پویایی نیازها

علاوه بر افزایش عددی حجم جمعیت و تحمیل شش برابری جمعیت بر عرصه‌های طبیعی حیات، نیازها و خواسته‌های انسانی نیز در پی ظهور دستاوردهای نوین و اختراعات و اکتشافات و ابداعات و ضرورتهای زیستن در شرایط نوین در همه ابعاد حیات اجتماعی اعم از غذا، پوشاک، مسکن، آموزش، بهداشت، ارتباطات، اوقات فراغت و ... بسیار گسترده و متنوع گردید و ارضای بسیاری از این خواسته‌ها مستلزم فعالیتهایی بود که خواه ناخواه تخریب عرصه‌های طبیعی و فرسایش خاک را به دنبال داشت. قطع

درختان برای مصارف صنعتی، ایجاد تأسیسات و امکانات رفاهی و عمرانی و ارتباطی و... از فعالیتهایی بود که در تخریب عرصه‌های طبیعی و خاک نقش بسزایی داشتند.



ج) بحران در مدیریت منابع طبیعی
آمار و اسناد معتبر حکایت از شدت یافتگی سرعت تخریب جنگلها و مراتع در پی ملی کردن منابع طبیعی در سال ۱۳۴۱ دارد. علاوه بر آن، ابهامات شناختی و نداشتن جهت‌گیری مسئله‌ای و تشننتها و تعارضهای سازمانی و ناکارآمدی برخی اقدامات از جمله عوامل مدیریتی در سازمانی ساختاری از جمله عواملی بودند که آهنگ تخریب را شدیدتر کردند. این سه عامل کلان (که قبلاً شرح داده شد) موجب بروز پیامدهایی شدند که عبارت‌اند از:

۱. قطع درختان جنگلی برای تأمین سوخت و مصارف صنعتی
۲. چرای بی‌رویه، نامنظم و نابهنگام
۳. تبدیل اراضی مرتعی و جنگلی به اراضی کم‌بازده مزروعی

۴- برخی فعالیتهای معرب اعم از فعالیتهای نادرست کشاورزی، صنعتی، ایجاد راهها، تأسیسات و...

در منطقه زاگرس، سه عامل اول یعنی قطع درختان، چرای بی‌رویه و تبدیل اراضی مرتعی و جنگلی به اراضی مزروعی بیشترین نقش را در تخریب جنگلها و مراتع و فرسایش خاک داشته‌اند و به تنهایی در تخریب بیش از ۹۰ درصد از اراضی مؤثر بوده‌اند.

جنگلهای زاگرس که در طول ۱۶۰۰ کیلومتر از سلسله جبال زاگرس رشد نموده‌اند از شمال غربی ایران شروع و به سمت جنوب شرقی کشیده شده‌اند. این جنگلها شامل بخشی از مساحت استانهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، چهارمحال بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و فارس می‌شود. مساحت جنگلهای این منطقه بیش از ۵/۵ میلیون هکتار برآورد شده و عمده‌ترین گونه گیاهی آن درخت بلوط است. در این منطقه، قطع بی‌رویه درختان و بونه‌کشی برای تهیه سوخت، یک عامل اساسی در تخریب جنگلها و بونه‌های مرتعی بوده و هست. به عنوان

هکتار از جنگلهای استان چهارمحال بختیاری از بین می‌رود و چنانچه این فرضیات به منطقه زاگرس تعمیم داده شود، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که سالانه بیش از ۱۷۰ هزار هکتار از جنگلهای منطقه زاگرس بدون جایگزینی نابود می‌شود.

بنابراین با انجام پژوهش حاضر به منظور دستیابی به راهکارهایی مناسب برای جایگزینی سوخته‌های فیسیلی (اعم از نفت، گاز و گازوئیل و...) و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان جنگلی و کندن بونه‌های مرتعی براساس معیارهای عملکردی، ضرورتی اساسی احساس می‌شود.

از طرف دیگر، در کشور ایران تحقیقات جامع و معتبری بدین منظور صورت نگرفته است و بررسیهای اسنادی نگارنده نمایانگر آن است که به جز یک بررسی اجمالی و توصیفی که در سال ۱۳۵۴ در بخشی از منطقه زاگرس صورت گرفته است، دیگر هیچ پژوهشی در مورد این موضوع صورت نگرفته است.

علاوه بر این، فراگرد کسب جانشینی (یک رفتار معنی‌دار به جای رفتار معنی‌دار دیگر) همانند جایگزینی سوخت فیسیلی به جای سوخت نباتی، صرفاً تابع شرایط موقعیتی^۱ و سود و زیان اقتصادی صرف نیست، بلکه عناصر کنشی از

مثال، نتایج حاصل از یک بررسی نشان می‌دهد که در استان چهارمحال بختیاری، تعداد ۱۸۸۳۰ خانوار برای تأمین سوخت از هیزم استفاده می‌کنند و متوسط حجم مصرف سوخته هر خانوار در طول یک سال، ۲۶ متر مکعب چوب برآورد شده است. بنابراین، کل هیزم مصرفی برای سوخت در طول یک سال معادل ۴۸۹۵۸۰ - ۲۶ × ۱۸۸۳۰ متر مکعب است و چنانچه رویش سالانه با خوش‌بینی کامل به طور متوسط معادل ۱/۳ متر مکعب فرض شود، تولید سالانه جنگلهای استان معادل $399100 = 1/3 \times 307000$ متر مکعب خواهد بود. با محاسبه تفاضل مصرف از تولید رقم زیر به دست خواهد آمد:

$$90480 = 399100 - 489580$$

بدین ترتیب، ۹۰۴۸۰ متر مکعب از جنگلهای استان در طول سال، بدون جایگزینی به کلی نابود می‌شوند.

حال چنانچه بر اساس برآوردهای صورت گرفته، متوسط موجودی سربای یک هکتار جنگل، ۱۵ متر مکعب فرض شود، خواهیم داشت:

$$6032 = 90480 / 15$$

با این فرض خوش‌بینانه، سالانه بیش از ۶ هزار

قتیل عوامل، اهداف، وسایل، ابزارها، محدودیتها، موانع، شرایط هنجاری و ... دخالت دارند. بدون شناخت ویژگیها و نقش آنها در اجرا از طریق پژوهشهای علمی هیچ عملی موفقیت آمیز نخواهد بود.

فعالیت‌های انسانی بویژه استفاده از وسایل و امکانات سوختی به مثابه رفتارهای معنی دار یا کنش در قالب تئوریا و دیدگاههای نظری متعدد، تحلیل و تبیین پذیر است. به عنوان مثال، این موضوع را می توان در چارچوب تئوریهایی تفردی، رفتارگرا، تجربه گرا، نمادگرا، پدیدارگرا، طبیعت گرا، فایده گرا، کل گرا، کلیت نگرا، کارکردگرا، ساخت گرا، تطورگرا و ... بررسی کرد. در میان صاحب نظران، "تالکوت پارسونز" اولین جامعه شناسی است که با بررسی دیدگاههای اثبات گرا، فایده گرا و ذهنی گرا برای تبیین موضوع با ترکیبی نوین و جامع، تلاش نموده است. وی در کتاب خود به نام *The Structure of Social Action*، پس از بررسی سه دیدگاه اساسی کنش، (اثبات گرا، فایده گرا، ذهنی گرا) و بیان سطح توصیفی و تحلیلی بررسی خرد به تعریف کنش و واحدهای آن پرداخته است. به نظر وی کنش اجتماعی مجموعه‌ای از ساختها و پویسهای است که انسان از طریق آن هدفهای معنی دار خود را شکل می بخشد و آنها را در شرایط مشخصی به طور کم و بیش موفقیت آمیز عملی می سازد.

هر کنش اجتماعی به مثابه یک سیستم دارای اجزایی است که واحدهای کنش نام گرفته اند. این واحدها عبارت اند از:

- ۱- کنش گر
- ۲- اهداف
- ۳- وسایل
- ۴- شرایط
- ۵- هنجارها

بنابراین هر کنش اجتماعی دارای عناصر زیر است:

- ۱- کنش گر که در فکر "پارسونز" در این زمان، یک فرد است.
- ۲- کنش گر به دنبال تحقق هدف یا اهدافی است.
- ۳- کنش گر به وسایل و ابزارهایی برای رسیدن به هدف دسترسی دارد.

۴- کنش گر با انواع شرایط موقعیتی مانند ساخت زیستی، وراثت و نیز محدودیتهای بوم شناختی بیرونی روبه رو است که بر انتخاب هدفها و وسایل اثر می گذارد.

۵- کنش گر تحت سطره ارزش، هنجارها و ایده‌هایی قرار دارد که بر هدف جویی و انتخاب وسایل مؤثر است.

کنش عبارت است از اخذ تصمیمات ذهنی کنشگر در باره وسایل برای رسیدن به هدفها، که همه آنها به وسیله ایده‌ها و شرایط موقعیتی محدود می شوند.

بنابراین در هر رفتار معنی دار یا کنش اجتماعی، ویژگیهای کنش گر، نوع هدف، وسایل و ابزارهای در دسترس برای رسیدن به هدف، شرایط موقعیتی و هنجارها و ارزشها در تعاملی متقابل مؤثر و تحلی رفتار را موجب می شوند. از نظر پارسونز، کنش اجتماعی:

- ۱- در متن جامعه صورت می گیرد نه در حلاء.
- ۲- کنش اجتماعی تابع انگیزه‌ها و اهداف است.
- ۳- کنش اجتماعی تابع هنجارهایی است که رفتار را متناسب با نقشها تنظیم می کند.
- ۴- کنش اجتماعی تابع انتظارات متقابل میان عاملهاست.
- ۵- کنش اجتماعی تابع پاداشها (رضایت مندیها) و تنبیهات (محرومیتها) است.
- ۶- کنش اجتماعی تابع قواعد اخلاقی مشترک ر هنجارگرا می باشد.

از دیدگاه پارسونز، هر کنش اجتماعی منعکس کننده سه ویژگی اصلی است که پارسونز آنها را درون نظامهای کنش اجتماعی می نامد. این سه درون نظام عبارت اند از:

- ۱- نظام فرهنگی
- ۲- نظام شخصیتی
- ۳- نظام ارگانیزم رفتاری

این سه درون نظام، منشأ و پایه اصلی کنش اجتماعی را تشکیل می دهند. به طوری که هیچ کنشی وجود ندارد که از فرد سر برسد و تحت تأثیر این سه درون نظام قرار نگرفته باشد و رنگ آنها را بر خود نداشته باشد.

ارگانیزم رفتاری نخستین مرجع یا منشأ کنش است. انسان از طریق ارگانیزم رفتاری با محیط پیوند و ارتباط می یابد و خود را با محیط منطبق

می سازد. پس کارکرد عمده ارگانیزم رفتاری، فراهم آوردن شرایط لازم برای پیوند و انطباق انسان با محیط است.

نظام شخصیتی به رفتار ساختی یا یادگرفته شده انسان اطلاق می شود که از یک طرف به عوامل ژنتیک ارگانیزم رفتاری و از طرف دیگر به الگوهای فرهنگی ارتباط دارد و در واقع، انسان از طریق نظام شخصیتی است که هدفهای خود را دنبال می کند. پس کارکرد عمده نظام شخصیتی است که هدفهای خود را دنبال می کند. پس کارکرد عمده نظام شخصیتی هدف یابی و توصیف رابطه هدف با موقعیت یا محیطش در جهتی معنی دار است.

نظام فرهنگی هم به مجموعه ساختها و الگوهای اطلاق می شود که در طول زمان به وسیله افراد و گروههای اجتماعی شکل می گیرد. کارکرد نظام فرهنگی، برقراری ثبات الگویی (اجتماعی کردن، کاهش فشارها و تنشجات) است.

کنش اجتماعی تحت تأثیر و کنترل دودسته از عوامل است که پارسونز آنها را محیطهای کنش اجتماعی نامیده است. این عوامل عبارت اند از:

۱- محیط های ارگانیزم فیزیکی

این عامل واقعیتی عینی و بیرون از ذهن است و انسان از طریق ارگانیزم فیزیکی با آن ارتباط می یابد و کارکرد عمده آن تأمین انرژی است.

۲- واقعیت غایی

این عامل در عالم واقع وجود ندارد؛ بلکه جنبه ذهنی داشته و به صورت سمبلیک و در قالب افکار و عقاید ایده آلیستی تجلی می یابد. پارسونز عوامل کنش اجتماعی را بر اساس روابط سببیتیک در سطح فرد و جامعه به شکل زیر بیان می کند.

تحت روابط سببیتیک، نظامهای دارای سطح اطلاعات بالا و انرژی کم، نظامهای دارای سطح بالایی انرژی و اطلاعات کم را کنترل و تنظیم می کنند. بر این اساس سلسله مراتب آن عبارت اند از:

- نظام غایی
- نظام اجتماعی

- نظام شخصیتی، سیاسی

- نظام ارگانیزم رفتاری، اقتصادی

- محیط ارگانیزم فیزیکی (محیط)

بر این اساس، نظامهای پایین شرایط لازم و نظامهای بالا شرایط کافی را برای نمود کنش اجتماعی فراهم می‌آورد. تعادل بین میزان اطلاعات و میزان انرژی و وفاق، یگانگی و تعادل را در کل جامعه به وجود می‌آورد و هرگونه تغییر در جامعه بیشتر تحت تأثیر عدم تعادل بین این دو عامل صورت می‌گیرد.

در پژوهش حاضر، این چارچوب به مثابه نظام عام نظری تحقیق پذیرفته شده است. بر این اساس، استفاده از امکانات و وسایل سوخت تحت تأثیر کنش‌گر و ویژگیهای وی، نظام شخصیتی وی، هنجارها و ارزشها و باورها و عقاید و پاداشها و تنبیه‌ها، نظام ارگانیزم رفتاری، محدودیتهای بوم‌شناختی، امکانات دسترسی به هر یک از انواع سوختها و میزان امکانات در دسترس است و تغییر در رفتار معنی‌دار یا کنش یا به عبارت بهتر جایگزینی رفتار Y به جای رفتار X در تحقق جایگزینی سوختهای فسیلی به جای سوختهای جنگلی، مستلزم تغییر در کل سیستم یا نظام کنش اجتماعی است. یعنی علاوه بر دسترسی به انواع سوخت فسیلی تابع برتری نسبی آن، رضایت‌مندی بیشتر از آن، کارایی بیشتر آن، داشتن وسایل و امکانات استفاده از آن، تغییر در نظام شخصیتی و ارزش و هنجاری کنش‌گر و قواعد هنجاری مشترک و سمبلها و نمادها و الگوهای عام فرهنگی استفاده از هر یک از سوختهاست.

بر اساس این نظام تئوریک، جایگزینی رفتاری به جای رفتار دیگر فقط تابع عوامل سود و زیان و یا فایده نیست، بلکه علاوه بر آن میزان دسترسی بدان، تناسب آن با نظام شخصیتی فرد (ارزشها، هنجارها)، نظام فرهنگی وی و اعتقادات و باورها و تقدسات وی و ... مؤثر است.

بنابراین، علاوه بر عوامل اقتصادی، عناصر فرهنگی و اجتماعی و نظام شخصیتی و مقدسات و عقاید بر این تغییر مؤثر هستند.

بر این اساس مبانی تغییر رفتار و جایگزینی کنشی تابع:

۱- عامل یا کنش‌گر و ویژگیهای شخصیتی و رفتاری وی است.

۲- امکانات و ابزارهای قابل حصول و در دسترس است.

۳- شروط ساختی و محدودیتهای وضعیتی است.

۴- شرایط هنجاری و ارزشی و الگوهای جهت‌دهنده است.

۵- اهداف و انگیزشهای عامل است.

۶- روابط متقابل بین عوامل، اهداف، ابزارها و هنجارهاست.

و در سطح کلان تابع:

۱- درون نظام فرهنگی و الگوهای مشروعیت یافته و نهادینه شده، هنجاری و ارزشی است.

۲- درون نظام اجتماعی و وفاق و هماهنگی عام اجتماعی است.

۳- درون نظام سیاسی و اهداف و تحقق یافتگی انتظارات عام جامعه است.

۴- درون نظام اقتصادی و امکانات و وسایل ابزارهای قابل حصول و در دسترس و قابل اعمال می‌باشد.

۵- برون نظام طبیعی - محیطی و محدودیتهای اجبارها و الزامات محیطی و برون جامعه‌ای است.

۶- روابط مبادله‌ای بین درون نظامها و روابط میانجی در سلسله مراتب سیبرنتیکی بین سطح اطلاعات و میزان کنترل با سطح انرژی و میزان عرضه امکانات می‌باشد.

و متغیرهایی مانند:

۱- قیمت هر یک از انواع سوخت و هزینه تمام شده آنها

۲- تغییرات در هزینه هر یک از انواع سوخت

۳- هزینه ابزارها و وسایل سوختی در هر یک از سوختها

۴- هزینه‌های جانبی

۵- انگیزش و سلیقه‌های مصرف‌کنندگان

۶- انتظارات و آینده‌نگری مصرف‌کننده

۷- کیفیت کالای جانشین

۸- نظام هنجاری و ارزشهای اجتماعی جامعه

۹- کنش کالاهای جانشین

که در چارچوب نظام نظری فوق بررسی می‌گردند.

ابعاد روش شناختی پژوهش

روش پژوهش

روش تحقیق پیمایشی (Survey) و رویه.

جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه ساخت‌مند (Structured interview) می‌باشد. ماهیت و نوع متغیرها ایجاب می‌کند که از بین روشهای متنوع تحقیق از روش پیمایشی استفاده شود و در بین رویه‌های این روش، رویه مصاحبه ساخت‌مند از پایایی (Reliability) بالاتری برخوردار است.

سطح تحقیق

تحقیق در سطح خرد یا خردنگر^۹ صورت گرفته است.

واحد تحلیل

واحد نهایی تحلیل در این پژوهش، خانوار می‌باشد.

ابزارها و فنون تجزیه و تحلیل

تجزیه و تحلیل توصیفی با استفاده از شاخصهای مرکزی (میانگین، میانه، مد) و شاخصهای پراکندگی (دامنه تغییرات، انحراف معیار، انحراف استاندارد) و تجزیه و تحلیل دو متغیره با استفاده از آزمونهای معنی‌داری بویژه ضریب همبستگی پیرسون، لدا، گاما، کای اسکووار، کندال و ... صورت گرفته است.

جامعه آماری

جامعه آماری، کل خانوارهای روستایی و عشایری استان لرستان را دربرمی‌گیرد. استان لرستان با مساحتی معادل ۲۸۰۶۴ کیلومتر مربع در سال ۱۳۷۰ دارای جمعیتی معادل ۱۵۰۲۱۱۲ نفر بوده که از این تعداد، ۵۱ درصد در شهر و ۴۹ درصد در روستاها و مناطق عشایری ساکن بوده‌اند. تعداد خانوارهای روستایی در سال ۱۳۷۴، معادل ۱۲۴ هزار خانوار برآورد شده که در ۲۷۶۸ آبادی استقرار یافته‌اند.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف) ویژگیهای محیطی و زیربنایی

از کل نمونه مورد بررسی، ۳۳/۹ درصد در مناطق جنگلی سکنی داشته و ۳۲/۱ درصد در شعاع کمتر از ۵ کیلومتر از جنگل ساکن بوده‌اند.

بدین ترتیب، ۶۶ درصد از خانوارها به سوختهای جنگلی دسترسی داشته‌اند. انطباق نسبی توزیع فراوانی بالا بر توزیع فراوانی مساحت استان بر حسب نوع کاربری (جنگلی، مرتعی و کشاورزی)، بالا بودن سطح اعتبار^{۱۰} پژوهش را به خوبی نمایان می‌کند.

از کل نمونه مورد بررسی، ۴۵/۷ درصد در اقلیم سرد و معتدل سرد، ۳۳/۹ درصد در اقلیم معتدل کوهستانی و ۲۰/۴ درصد در اقلیم گرم و معتدل گرم سکنی داشته‌اند. بدین ترتیب، حدود نیمی از نمونه مورد بررسی در فصول سرد سال از وسایل گرمازا (به طور متوسط چهار ماه در سال از بخاری چوبی یا نفتی) استفاده می‌کردند.

از کل نمونه مورد بررسی، ۵۷ درصد به راه ارتباطی مناسب برای حمل و نقل سوختهای فسیلی دسترسی داشته و ۴۳ درصد که بیشتر در مناطق جنگلی و کوهستانی و کوهپایه‌ای ساکن بوده‌اند، راه ارتباطی مناسبی نداشته‌اند. (دهستان قدایی در بخش فیروزآباد، دهستانهای تنگ هفت، کشور، چمنگر در بخش پایی، بخش زماهر و ...)

۵۶/۸ درصد از روستاهایی که خانوارهای مورد بررسی در آنجا ساکن بوده‌اند، شعبه نفت نداشته‌اند. از طرف دیگر، مخازن شعبه‌های نفت در روستاهای مورد بررسی بین چهار تا هشت ماه بویژه در ایام سرد نفت نداشته‌اند. روستای محل سکونت ۹۳/۵ درصد خانوارها، شعبه گازپرکتی و نمایندگی تعویض کپسول گاز نداشته و نیز ۹۶/۳ درصد از آنها فاقد مکانی برای پر کردن کپسولهای بیکیکی بوده‌اند. ۶۴/۹ درصد از خانوارها از نعمت برق برخوردار بوده‌اند.

بدین ترتیب، ۷۵ درصد از خانوارها از لحاظ دسترسی داشتن به نفت، ۹۳/۵ درصد در زمینه دسترسی به کپسول گاز و ۳۵/۱ درصد از حیث برخورداری از نعمت برق با شرایط و محدودیتهای ساختی و عینی روبه روبرو بوده‌اند.

ب) ترکیب استفاده از انواع سوختها

در ۹۵ درصد از خانوارها، پخت و پز نان با استفاده از هیزم، بوته، کلس و کود حیوانی صورت می‌گیرد و در ۵۵ درصد با استفاده از نفت و گاز و گازوئیل جهت پخت نان، نسبتی زیر ۲۰ درصد

عمده‌ترین جهت‌گیری مسئله‌ای سازمان جنگلها و مراتع کشور و معاونت آبخیزداری وزارت جهاد سازندگی بسط و نهادینه شدن مشارکت آگاهانه، ارادی، برنامه‌ریزی شده، نظام‌مند و کارآمد و عمومیت یافته مردم بهره‌بردار و حاضر در عرصه‌های طبیعی می‌باشد و به تبع آن نگرش سیستمی به حوضه آبخیز که بعد عینی و فضایی توسعه پایدار است، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌یابد.

هستند که بر تفاوت در میزان مصرف هریک از انواع سوخت مؤثر است.

۵- میزان آشنایی به وجود و مزایا و وسایل مدرن سوختی

۶- میزان ترویج وسایل مدرن سوختی

۷- میزان مساعدت شرایط فرهنگی و اجتماعی جمعیت در استفاده از سوختهای مدرن

۸- از همه مهمتر، ترکیب استفاده از انواع سوخت توسط خانوار

۹- متوسط بعد خانوار

۱۰- قیمت تمام شده انواع سوخت

۱۱- وضعیت منزل مسکونی

داشته است. بیش از ۶۰ درصد خانوارها برای پخت و پز غذا از نفت و گاز کپسولی استفاده می‌کرده‌اند. از کل خانوارهای استفاده کننده از سوخت جهت تأمین گرما در ایام سرد سال، هیزم و بوته‌های مرتعی و فضولات حیوانی ۴۲ درصد، نفت ۳۵ درصد و ترکیب از این دو سوخت ۲۳ درصد بوده است. کمتر از ۶ درصد از خانوارهای مورد بررسی، بالغ بر ۸۰ درصد موارد از گاز برای پخت و پز نان و غذا استفاده می‌کرده‌اند.

ج) عوامل مؤثر بر مصرف هر یک از سوختها

میزان مصرف هر یک از سوختها در بین جامعه آماری مورد بررسی، بسیار متنوع بوده و تابع عوامل زیادی است. مهمترین عوامل در این زمینه عبارت‌اند از:

۱- وضعیت اقلیمی محل سکونت: در مناطق سرد و نیمه سرد، مصرف انواع سوخت برای گرما بر حسب میزان دسترسی به انواع آن، بسیار بالاتر از مناطق گرمسیری است.

۲- موقعیت محل سکونت نسبت به جنگل: طبیعی است خانوارهایی که در مناطق جنگلی ساکن هستند، میزان مصرف هیزم آنها به مراتب بالاتر از ساکنین در نقاط غیرجنگلی است.

۳- وضعیت دسترسی به سوختهای فسیلی: در مناطقی که دسترسی به سوختهای فسیلی به علت شرایط مساعد ارتباطی و وجود شعبه‌های فروش این فرآورده‌ها، سهلتر و امکان پذیرتر است، میزان مصرف این سوختها در مقایسه با مناطقی که از این امکان برخوردار نیستند، به مراتب بیشتر است.

۴- میزان برخورداری از وسایل سوختی: برخورداری از وسایل سوختی نیز از جمله عواملی

میزان مصرف هریک از سوختها

بر اساس محاسبات انجام شده، متوسط مصرف هریک از سوختها دارای توزیعهای زیر بوده است:

میزان مصرف نفت

به طور متوسط هر خانوار در طول شش ماه سرد سال، ۱۱۴۴ لیتر و در خلال شش ماهه گرم سال ۳۱۶ لیتر نفت مصرف نموده و در مجموع سالانه، حدود ۱۵۰۰ لیتر مصرف داشته‌اند. از مجموع خانوارهای مورد بررسی، سه درصد کمتر از ۱۰۰ لیتر و حدود ۱۰ درصد بالای ۳ هزار لیتر مصرف داشته‌اند.

میزان مصرف گازوئیل

متوسط میزان مصرف گازوئیل در طول سال، ۲۶۴ لیتر بوده که از این میزان، ۲۲۲ لیتر در شش ماه سرد سال و ۴۲ لیتر در ماههای گرم مصرف شده است. میانگین مصرف سالانه گازوئیل، معادل صفر بوده است. یعنی بیش از ۵۰ درصد خانوارها

در طول سال از گازوئیل استفاده‌ای نداشته‌اند. بیشترین مصرف گازوئیل در روزهای گرم سال، برای گرم کردن آب حمام بوده است.

مصرف گاز

بر اساس محاسبات انجام شده، هر خانوار در طول سال به طور متوسط ۱۱ کیسول گاز را پر کرده و این شاخص برای پیک‌نیکی معادل ۶ مورد در سال بوده است.

مصرف هیزم

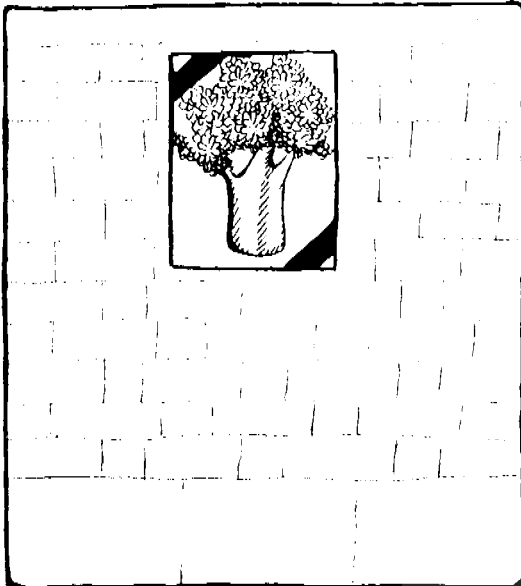
مصرف هیزم در بین بیش از ۹۰ درصد خانوارهای مناطق جنگلی عمومیت داشته است. بر اساس برآوردهای صورت گرفته، هر خانوار در طول سال به طور متوسط دو بار تراکتور و به عبارت بهتر، ۶ متر مکعب هیزم مصرف نموده است. واحدهای اندازه‌گیری هیزم بر حسب بار تراکتور، بار حیوان و پشته بوده است و برآوردها نیز بر اساس تبدیل این واحدها و تخمین قریب به واقع صورت گرفته است.

برآوردهای بالا با نتایج تحقیقات دیگر نیز همخوانی دارد. بنا بر همین وضعیت، سالانه در استان لرستان بالغ بر ۲۰ هزار هکتار جنگل نابود می‌گردد.

مصرف سوخت دامی

مصرف سوخت دامی در بخشهای چغلندی، بیشتر روستاهای شهرستان بروجرد، شهرستان دورود، شهرستان ازنا، بخشهای مرکزی و فیروزآباد شهرستان سلسله، بخشهایی از شهرستان نورآباد عمومیت دارد که برای هر خانوار مصرف‌کننده بالغ بر ۳۳۰۰ کیلوگرم بوده است.

مشاهدات نگارنده نمایانگر آن است که برای هر بار پخت یک سطل خمیر یک خانواده روستایی که حدود ۲۰ قرص نان از آن به دست می‌آید، ۴/۵ تا ۶/۵ کیلوگرم "تیاله" مصرف می‌شود و هر تیاله نیز به طور متوسط ۲/۵ کیلوگرم وزن دارد. بنابراین در هر روز به طور متوسط ۱۳ کیلوگرم تیاله مصرف می‌شود و از آنجا که در خانواده‌های روستایی عموماً هر روز پخت نان صورت می‌گیرد، بنابراین می‌توان تحلیل کرد که در صورت استفاده مطلق خانوار از تیاله برای



۲۰ درصد از خانوارها، بالاتر از دو هزار ریال بوده است. همچنین، هزینه پرکردن هر پیک‌نیک بالغ بر ۵۶۰ ریال بوده است. این در حالی است که در آن سال، قیمت یک کیسول در شهر ۵۰۰ ریال و یک پیک نیک ۲۰۰ ریال بود. به عبارت بهتر، خانوارهای روستایی استفاده‌کننده از گاز، مجبور هستند سه برابر هزینه (خرید و حمل و نقل) بپردازند.

اولویت بندی استفاده از انواع سوختها

نتایج حاصل از نظرسنجی مردم در باره اولویت دادن به استفاده از انواع سوخت برای مصارف مختلف (پخت ریز نان، غذا، گرم کردن آب، گرم کردن اتاق، روشنایی و...) نمایانگر واقعیات زیر است:

در همه موارد، وضع موجود در مقایسه با وضع مورد انتظار برای استفاده بیشتر از سوختهای فسیلی بویژه نفت و گاز نمود یافته است. به عبارت دیگر در همه خانواده‌ها، استفاده مورد انتظار از نفت برای گرما و استفاده از گاز برای

پخت نان، سالانه بالغ بر ۲۷۰۰ کیلوگرم سوخت دامی مصرف خواهد نمود.

هزینه تمام شده هریک از انواع سوختها

هزینه تمام شده هر یک از انواع سوختها به صورت زیر بوده است:

نفت
بر اساس محاسبات انجام شده، هزینه تمام شده یک پیت ۲۰ لیتری نفت برای خانوارهای استفاده‌کننده معادل ۶۰۰ ریال، یک بشکه ۲۰۰ لیتری معادل ۶۳۰۰ ریال بوده است و بیش از ۱۸ درصد خانوارها اظهار داشته‌اند که تهیه هر بشکه نفت تا محل سکونت (هزینه خرید و حمل و نقل) بالغ بر ۱۰ هزار ریال بوده است. هزینه نفت برای خانوارهای روستایی بالغ بر ۳/۵ برابر مناطق شهری بوده است.

گاز

هزینه یک کیسول گاز برای خانوارهای استفاده‌کننده به طور متوسط ۱۵۰۰ ریال و برای

پخت و پز دارای برتری نسبت به استفاده موجود بوده است. یعنی ۹۰ درصد خانوارها به مراتب تمایل بیشتری نسبت به استفاده از سوختهای مدرن دارند. در ۱۰ درصد بقیه مانع عمده شرایط فرهنگی و عدم آشنایی خانوارها با موارد کاربرد سوختهای نوین می باشد.

شرایط استفاده از سوختهای فسیلی به جای سوختهای جنگلی

نتایج به دست آمده از بررسی و نظرسنجی مردم در استفاده از سوختهای فسیلی نشان می دهد که ۱۹/۸ درصد از نمونه مورد بررسی برای جایگزینی شرط خاصی ارائه ندادند. ۹/۶ درصد از مردم روستایی استان به طور ۱۰۰ درصد از سوخت فسیلی استفاده می نمایند. ۶۱/۸ درصد از مردم تأمین و تحویل در محل به قیمت مناسب را عمده ترین شرط استفاده از سوخت فسیلی به جای سوخت جنگلی اعلام نمودند.

تجزیه و تحلیل چند متغیره (با استفاده از برنامه SPSS) و مشاهدات میدانی نگارنده، نمایانگر آن است که در ۹۰ درصد از موارد برای گسترش و جایگزینی سوختهای فسیلی به جای سوختهای جنگلی نظام فرهنگی تأثیرات اساسی دارد. همچنین محیط های کنش اجتماعی در سطح پایین یعنی محیط ارگانیزم فیزیکی بیشترین تأثیر را در آن دارد. به عبارت بهتر، دسترسی آسان به انواع سوختهای فسیلی، قیمت تمام شده پایین این فرآورده ها و برخورداری روستاییان از این امکانات بیشترین تأثیر را در جایگزینی دارند.

بنابراین در مناطق جنگلی، مشکلات و موانع فرهنگی و اجتماعی بیشتر است. چرا که در این نواحی دسترسی آسان به چوب موجب شده با وجود دسترسی آسان به سایر سوختها بازهم از هیزم استفاده شود. به عنوان مثال در روستای "چهارمله" بخش "جگنی" که دسترسی به نفت و گاز به آسانی امکان پذیر است، بازهم بیشتر خانوارها برای پخت و پز در گرما از هیزم استفاده می کردند. در روستاهای اطراف این روستا نیز وضعیت به همین منوال بود که نشاندهنده تأثیر نظام هنجاری، اعتقادی و ارزشها بر فرایند جایگزینی است.

در شرایط امنیت اجتماعی و سیاسی فعلی از طریق طرحهای ساماندهی و تجمیع روستاها، می توان خانوارهای ساکن در مناطق جنگلی را که هم به علت سرمای شدید از سوخت بیشتری استفاده می نمایند و هم به علت نبود راه مناسب و عدم دسترسی به موقع به سوختهای فسیلی و امکان آسانتر استفاده از درختان، از سوختهای درختی استفاده می کنند. روستاهای نوبنیاد را در نواحی دشتی طراحی کنند که به راه ارتباطی مناسب دسترسی داشته و دورتر از جنگل واقع باشند.

بحث

در این بخش از پژوهش نتایج به دست آمده از بررسی وضعیت اقلیمی، ارتباطی، دسترسی به انواع سوختها، میزان استفاده از هریک از سوختها، میزان برخورداری از وسایل سوختی، میزان مصرف سالانه سوخت و هزینه تمام شده آن و نیز وضع مورد انتظار مردم مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

برایند به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده ها نمایانگر آن است که بالغ بر ۸۵ درصد از نمونه مورد بررسی از سوختهای غیر فسیلی (هیزم، بونه و کلس، سوخت دامی) به میزان یک تا ۱۰۰ درصد استفاده می نمایند. بنابراین، با وجود کوششهای فرادان در سالهای اخیر، فقط ۱۴/۵ درصد از خانوارها هیچ گونه استفاده ای از سوختهای غیر فسیلی نداشتند و ۱۹/۶ خانوارهای روستایی کمتر از ۱۰ درصد از سوختهای غیر فسیلی استفاده می نمودند.

در قالب دیدگاه نظری پژوهش، می توان تحلیل نمود که نظام نمایی و نظام فرهنگی از طریق هنجارها و ارزشها و نடைها بر این واقعیت مؤثر بوده است، ولی تأثیر آن در کمتر از ۱۰ درصد نمونه مورد بررسی و در کمتر از ۱۰ درصد از موارد سوخت مؤثر بوده است. مقدس بودن آتش، بویژه آتش حاصل از سوخته شدن هیزم، هنوز هم در فرهنگ مردم جایگاه دارد و تجلی آن را می توان در چهارشنبه سوری هر سال - بویژه در روستاها ملاحظه کرد. هنجارمند شدن استفاده از ابزارها و وسایل هیزم سوز نیز ریشه در نظام فرهنگی جامعه دارد. تجلی این عامل در نظام شخصیتی غنبت

بیشتری می یابد. اما عمده ترین عوامل مؤثر بر آن، ریشه در سطوح پایین سلسله مراتب روابط سیرتئیک دارد. یعنی سطوح ریخت شناسی و فضایی پدیدار تام اجتماعی در مفهوم گوریچی آن.

دستیابی آسان، با صرفه بودن و داشتن وسایل و ابزارهای هیزم سوز سه عامل اساسی مؤثر بر استفاده جامعه مورد بررسی از چوب و سوختهای غیر فسیلی بوده است. عامل اول، یعنی دسترسی به راه مناسب، هم جنبه ریخت شناسی دارد و هم جنبه اقتصادی و زمانی. عامل دوم، یعنی با صرفه بودن، عمدتاً در سطح نظام اقتصادی و در ارتباط با محیط ارگانیزم فیزیکی قابل تحلیل است. بر اساس نظام نظری رفتارهای مردم در جایگزینی کالاها، تابع حداکثر منافع و حداقل هزینه است. در این شیوه رفتاری نیز نظام اقتصادی عامل تبیین کننده گرایش و رفتار در زمینه سوختها می باشد.

عامل سوم، یعنی داشتن وسایل و ابزارهای هیزم سوز، هم در سطح نظام شخصیتی و فردی هم در ارتباط با نظام اقتصادی و محیطهای کنش ارادی حائز تحلیل است. داشتن وسایل و امکانات استفاده از انواع سوخت، هم ماهیت و پایگاه اجتماعی و سطح برخورداری خانوارها را نمایان می کند و هم نشاندهنده میزان پذیرش نوآوری و پدیده های نوین است.

بدین ترتیب چهار عامل بلا فصل یعنی نظام فرهنگی (شناخت، وجه نظر، تصمیم گیری) و هنجارمندی و عمومیت هنجاری، دستیابی آسان، با صرفه بودن، دانا بودن امکانات استفاده بر گرایش و رفتار مرتبط با سوخت مصرفی مردم

اهمیت دارد. باید گفت که جایگزینی سوخت مدرن به جای سنتی، مستلزم تغییر در کل نظام کنش اجتماعی و درون نظامها و محیط های کنش اجتماعی می باشد.

پیشنهادها

پژوهش حاضر هم جنبه شناختی و هم جنبه کاربردی دارد. براساس نتایج به دست آمده از تحقیق عوامل مؤثر بر استفاده از سوختها و موانع استفاده از سوختهای مدرن و نظرسنجی از مردم در زمینه شرایط استفاده از سوختهای فسیلی به جای سوخت جنگلی، بر اساس نظام نظری و عینی تحقیق پیشنهادهای عملی زیر ارائه می شود:

۱- ترویج و اشاعه روشها و انواع نوین سوخت (سوخت فسیلی) بویژه در مناطق عشایری و روستاهای دورافتاده استان با استفاده از رهیافت آگاهی، وجه نظر و تصمیم گیری یعنی از طریق آگاهی دادن، به تغییر در وجه نظرها و نظام شخصیتی و فرد همت گماشت و زمینه را برای عمل مهیا نمود.

۲- بیان مزایای استفاده از سوختهای مدرن و مضرات و پیامدهای منفی استفاده از جنگل برای مردم روستایی و عشایری بر حسب رهیافت بالا.

۳- با توجه به بالا بودن هزینه تمام شده سوختهای فسیلی بویژه نفت و گاز در مناطق روستایی و عشایری و حداقل دو برابر بودن قیمت آن نسبت به مناطق شهری، دولت باید یارانه ویژه ای به این مهم اختصاص دهد.

۴- در مناطق جنگلی، ترویج و اشاعه نوآوریها و امکان جدید سوختی با نظام فرهنگی و شخصیتی مردم همبستگی بالاتری دارد. در این مناطق، قبل از هر اقدامی، آماده نمودن بسترهای فرهنگی و اجتماعی از طریق آموزش و آگاهی باید صورت گیرد.

۵- اشاعه سوختهای فسیلی و جایگزینی آن به جای سوختهای چوبی، مستلزم ارائه امکانات و وسایل نفت سوز و گازسوز در نقاط مختلف بویژه نقاط دورافتاده و مناطق جنگلی نیز می باشد.

۶- گسترش شیوه های عقلانی استفاده از چوب درختان جنگلی نیز بر حفاظت از آنها و استفاده بهینه از چوب آنها مؤثر است و این عملی نمی شود، مگر از طریق بکارگیری رهیافت آگاهی.

وجه نظر و عمل.

۷- بسط راههای ارتباطی، بالا بردن سطح درآمد روستاییان، بالا بردن سطح اشتغال در روستا، از عوامل فرعی دیگری هستند که بر این مهم یعنی جایگزینی سوخت فسیلی به جای سوخت جنگلی مؤثر هستند.

۸- ایجاد ساختارها و شبکه های مناسب سوخت رسانی به مناطق روستایی و عشایری بویژه در نواحی سرد و صعب العبور و نیز فراهم نمودن امکان دسترسی به موقع روستاییان و عشایر به سوختهای فسیلی.

۹- بسط عقلانیت ابزاری از طریق آموزشهای ترویجی در زمینه های نقش و اهمیت جنگلها و مراتع و بیان تأثیرات کارکردهای عرصه های طبیعی بر پایداری تعادل زیست محیطی، جلوگیری از سیل و فرسایش خاک و آگاهی دادن به مردم در مورد خطرات ناشی از تخریب جنگلها و استفاده بی رویه از هیزم.

هر چند تخریب و فرسایش خاک فرایندی تاریخی - طبیعی دارد و بر اساس فلسفه حیات طبیعی، عمر آن قابل تبیین است، ولیکن آنچه موجب تسریع تصاعدی روند تخریب و فرسایش منابع طبیعی و خاک شده، بشریت و فعالیتها و کنشهای انسان در عرصه طبیعی حیات است که هم آهنگ تخریب ناشی از عوامل طبیعی مانند بارانهای سیل آسا، بادهای تند و ... بسیار شدیدتر شده است و هم به صورت مستقیم باعث تخریب و فرسایش میلیونها هکتار از جنگلها و مراتع و اراضی حاصلخیز شده است.



۱۰- خانوارهای روستایی و عشایری در صورت عدم دسترسی به سوختهای فسیلی بویژه در ماههای سرد به قطع درختان و تهیه هیزم می‌پردازند. به عنوان مثال در سال گذشته در برخی از روستاها مردم به علت عدم دسترسی به نفت مجبور به خرید بخاری چوبی و استفاده از هیزم شدند. در چنین شرایطی، آموزش عملی در زمینه چگونگی تهیه هیزم خاصه قطع سرشاخه‌ها به جای ریشه‌کشی درختان می‌تواند تا حدود زیادی از تخریب جنگلها جلوگیری نماید.

۱۱- در شرایط امنیت اجتماعی و سیاسی فعلی از طریق طرحهای ساماندهی و تجمع روستاها، می‌توان خانوارهای ساکن در مناطق جنگلی را که هم به علت سرمای شدید از سوخت بیشتری استفاده می‌نمایند و هم به علت نبود راه مناسب و عدم دسترسی به موقع به سوختهای فسیلی و امکان آسانتر استفاده از درختان، از سوختهای درختی استفاده می‌کنند. روستاهای نوبنیاد را در نواحی دشتی طراحی کنند که به راه ارتباطی مناسب دسترسی داشته و دورتر از جنگل واقع باشند.

۱۲- ایجاد تغییرات مناسب در طراحی و اجرای نقشه‌های محل سکونت خانوارها به گونه‌ای که امکان استفاده بیشتر و بادوام‌تر از گرمایش در ایام سرد میسر گردد. زیرا در بسیاری از

جمعیت ایران که در آغاز قرن حاضر در حدود ۱۰ میلیون نفر بود، در طول ۷۰ سال به بیش از شش برابر رسیده و بر اساس آمار سرشماریها، در طول ۳۵ سال سه برابر شده و از ۷۰۴ ۹۵۴ ۱۸ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۱۶۳ ۸۳۷ ۵۵ نفر در سال ۱۳۷۰ بالغ گردیده است. بدین ترتیب، تحمیل جمعیت بر عرصه منابع طبیعی حیات انسانی، در طول ۷۰ سال، شش برابر شد. به این ترتیب به طرق مختلف بر شدت یافتن آهنگ تخریب مراتع مؤثر واقع گردید.

روستاها - بویژه در مناطق سرد - طراحی سکونتگاههای نقشی اساسی در هدر رفتن سریع گرمای ایجاد شده در روزهای سرد دارند و در نتیجه باید وسیله گرمازا در تمام مدت شبانه روز روشن باشد.

۱۳- بدین ترتیب، تغییر در شیوه نگرش مردم به جنگل و درختان، بسط عقلانیت ابزاری، عمومیت وسایل جدید سوختی، آموزش شیوه استفاده از وسایل جدید، مهیا کردن امکان دسترسی بموقع به سوخت فسیلی، پایین آوردن هزینه‌های سوختهای جدید، آموزش شیوه‌های کم‌ضررتر قطع درختان، توجه به امکان جایگزینی سوختهای جدید در طرحهای ساماندهی و تجمع و نظامهای استقرار روستاهای نوبنیاد، تغییر در شیوه ساخت محل سکونت روستایی، از عوامل اساسی مؤثر بر امکان جایگزینی سوختهای جدید به جای سوختهای درختی و مرتعی هستند.

منابع و مأخذ

- ۱- ابراهیم پور، محسن. "ویژگیهای اجتماعی زیست بوم پایی"، لرستان، مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان لرستان، ۱۳۷۴.
- ۲- ابراهیمی رستاقی، مرتضی. "سلسله جبال زاگرس حیات بخش فلات ایران"، مجله جنگل و مرتع، شماره ۲۲۷، صفحه ۳۴، ۱۳۷۳.
- ۳ ترنر، جانانان. "ساخت نظریه جامعه شناسی"، مترجم عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۳.
- ۴- سالواتوره، دومینیک. "تئوری مسائل اقتصاد خرد"، مترجم حسن سبحانی، تهران، نشرنی، ۱۳۶۹.
- ۵- کولوبندی، محمود. "نقش جنگل در جوامع روستایی"، مجله جنگل و مرتع، شماره ۱۵، ۱۳۷۱ ص ۲۰.
- 6- Lareau, J. & Thomas, D. "Energy and consumer-expenditure patterns": Modeling approaches and projections, Washington D C. 1982.
- 7- Parsons, Talcott. "The structure of social action". NewYork. McGraw Hill

پی‌نوشتها:

- 1- Alternative Development
- 2- Territorialism
- 3- Functionalism
- 4- Cultural Pluralism
- 5- Standardized Modernization
- 6- Ecological Sustainability
- 7- Sustained Growth
- 8- Situational Conditions
- 9- Micro Level
- 10- Validity